

درک پدیدارشناسانه‌ی کنش اجتماعی در زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان

دکتر افسانه وارسته^۱

سیده فاطمه موسوی تازه آبادی^۲

چکیده

در تحقیق حاضر به بررسی تجارب زیسته‌ی دانشجویان دختر ساکن خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه فرهنگیان از کنش‌های اجتماعی و درک آن‌ها از زندگی در این اماکن پرداخته شده است. این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی بوده و به روش پدیدارشناسی انجام گرفته است. زمان اجرای پژوهش، بهمن و اسفند سال ۱۳۹۳ بوده و نمونه‌ها از میان دانشجویان ساکن خوابگاه‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شدند. پس از اشباع اطلاعاتی، تعداد شرکت‌کنندگان به ۱۶ نفر رسید. جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از مصاحبه‌ی عمیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری آزاد و انتخابی انجام شد. یافته‌های حاصل از تجارب زیسته‌ی دانشجویان، در قالب ۵ مضمون اصلی و تعدادی زیرمضمون استخراج شدند. مضامین اصلی استخراج شده عبارت بودند از: دلبستگی به خوابگاه، درک همدلانه، نظم‌پذیری رضایتمندانه، خودکنترلی، الگوپذیری و تجربه‌آموزی. در این تحقیق مشخص شد که درک و تجربه دانشجویان از زندگی در این مکان، همان درکی نیست که دیگران (اعم از مسئولین دانشگاه) از این تجربه دارند. دانشجویان کنش‌های مثبت زندگی در محیط خوابگاه را شامل مهارت‌های زندگی، سازگاری، مسئولیت‌پذیری، کنترل رفتار و احساسات، تاب‌آوری و درک متقابل می‌دانستند. آن‌ها جوامع یادگیری‌ای تشکیل داده بودند که بسیاری از مفاهیم بنیادین زندگی را از آن طریق می‌آموختند.

واژگان کلیدی: کنش، کنش اجتماعی، دانشجویان دختر، پدیدارشناسی.

مقدمه

دوران دانشجویی جزء اوقات مهیج و محرک زندگی دانشجویان می‌باشد. در این دوران، تغییرات تازه‌ای برای دانشجویان و والدینشان روی می‌دهد؛ آن‌ها علاوه بر آماده شدن برای یک زندگی حرفه‌ای، با چالش‌های متفاوت برای یادگیری درباره‌ی خود و دنیای اطرافشان روبه‌رو می‌شوند (یعقوبی، ۱۳۸۹). زندگی خوابگاهی در بیشتر دانشگاه‌های کشور جریان دارد. عقیده بر این است که زندگی خوابگاهی، فرصت‌های زیادی را برای کنش‌ها و ارتباطات اجتماعی فراهم می‌کند و در آن نوعی یادگیری پنهان و غیررسمی وجود دارد. از این رو، خوابگاه‌های دانشجویی در ساختار دانشگاه‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و با افزایش تعداد دانشجویان، ضرورت ارائه‌ی خدمات متنوع نیز بیشتر می‌شود.

یکی از دانشگاه‌های کشور، دانشگاه فرهنگیان است. این دانشگاه، از جمله دانشگاه‌هایی است که با هدف تأمین، تربیت و توانمندسازی منابع انسانی وزارت آموزش و پرورش تأسیس گردیده است. اهداف مهم این دانشگاه شامل تأمین و تربیت معلمان، مدیران، مربیان، کارکنان و پژوهشگرانی است که متعهد، معتقد به مبانی دینی و ارزش‌های اسلامی و انقلابی، دارای فضائل اخلاقی و ارزش‌های والای انسانی، کارآمد و توانمند در طراز جمهوری اسلامی ایران می‌باشند (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). بر اساس این اهداف، دانشجویان باید در خوابگاه‌های شبانه‌روزی اسکان یابند و بخشی از فعالیت‌های تربیتی، آموزشی و فوق برنامه‌ی خود را در این محیط طی کنند.

مهم‌ترین پدیده‌ی خوابگاه‌های دانشجویی را می‌توان کنش‌های اجتماعی آنان دانست. کنش، به رفتاری انسانی اطلاق می‌شود که انگیزه و راهنمای آن معانی باشد؛ معانی‌ای که کنشگر در دنیای خارج می‌یابد و به آن حساسیت نشان می‌دهد. به عبارتی کنش یعنی آگاهی و حساسیت به پیام‌هایی که کنشگر از معانی چیزها در محیط دریافت می‌کند؛ این کنشگر می‌تواند فرد یا جمع باشد (شفیق، ۱۳۸۹). هر کنش از مجموعه‌ای از واحدهای کنشی ساخته می‌شود و شامل حالات و گفتارهاست که مجموعه‌ی بازسازی شده‌ی آن یک نقش اجتماعی یا برهه‌ای کم و بیش طولانی از کنش متقابل اجتماعی را پدید می‌-

آورد (روشه، ۱۳۷۶). کنش‌های اجتماعی در جامعه‌ی دختران متفاوت از کنش‌های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی‌های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روان‌شناختی و اجتماعی است. عارفی و محسن‌زاده (۱۳۹۰) به تفاوت دو جنس در سلامت روان و مؤلفه‌های آن پرداختند و شجاع نوری و شکری (۱۳۹۲) به طبقه‌بندی مشکلات دانشجویان دختر در دو بعد بومی و غیربومی اهتمام ورزیدند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد خوابگاه‌های دانشجویی نقش مهمی در رشد فردی و شغلی دانشجویان ایفا می‌کنند (محمودی راد و آراسته، ۱۳۸۳). دانشجویانی که در محیط خوابگاه زندگی می‌کنند، تعامل بیشتری با سایر دانشجویان و اعضای هیئت علمی دارند و در نتیجه، مهارت‌های زندگی در آنان تقویت می‌شود (ترنزینی^۱ و همکاران، ۱۹۹۶). اما خوابگاه‌های دانشگاهی در کشور ما، با بیش از پانصد هزار دانشجو صرفاً در جایگاه مراکز اجتماعی‌ای ظاهر می‌شوند که تنها بخش اندکی از نیازهای ساده و اولیه‌ی دانشجویان را برآورده می‌سازند. این در حالی است که خوابگاه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های معتبر جهان ابزاری برای رشد دانشجویان محسوب می‌شوند. چنین دانشگاه‌هایی بر ایجاد محیطی تأکید می‌ورزند که در آن افراد بتوانند فرصت بیشتری را به یادگیری و تحقیق اختصاص دهند.

در زمینه‌ی نحوه‌ی اثرگذاری خوابگاه‌های دانشجویی تحقیقاتی صورت گرفته که از آن جمله می‌توان به اوسلو و گیرجین^۲ (۲۰۱۰)، محمودی راد و آراسته (۱۳۸۳)، مثنوی و همکاران (۱۳۸۴) و کلدی و فلاح (۱۳۸۸) اشاره کرد. پژوهش‌های مذکور صرفاً به شمارش فراوانی و یا نهایتاً رابطه‌ی همبستگی ختم شده و در مورد چگونگی درک و تجربه افراد از کنش‌های اجتماعی، دیدگاهی کاربردی مطرح نمی‌کنند. همچنین این پژوهش‌ها به ندرت، به دانشجویان دختر و درک ایشان از کنش‌های اجتماعی پرداخته‌اند. بر این اساس در پژوهش حاضر هدف آن است که به شیوه‌ای کیفی و پدیدارشناسانه، درک دانشجویان دختر از کنش‌های اجتماعی در زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر پردیس نسبیبه دانشگاه فرهنگیان مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد.

1. Terenzini

2. Uslu & Girgin

پیشینه

در زمینه‌ی مطالعات مربوط به کنش اجتماعی دو نظریه‌ی مهم وجود دارد که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

کنش اجتماعی پارسونز: از نظر تالکوت پارسونز^۱، ما پیوسته کنشگر اجتماعی هستیم. بر دیگران تأثیر می‌گذاریم، با دیگران ارتباط برقرار می‌کنیم، از دیگران می‌گریزیم، دیگران را فریب می‌دهیم، در دیگران نفوذ می‌کنیم، محبت خود را به دیگران نشان می‌دهیم، برای دیگران هنرآفرینی می‌کنیم و...؛ تقریباً هر فعل ما در بردارنده‌ی عنصری اجتماعی است، چرا که دیگران را در نظر می‌گیرد و به حساب می‌آورد. همکاری کردن، بازی کردن، عشق ورزیدن، به ستیزه پرداختن، استدلال کردن و... ما همواره در کنش اجتماعی درگیر هستیم (شارون، ۱۳۸۷). «کنش» عبارت از تمام رفتارهای انسانی است که در آن فرد کنشگر معنایی ذهنی به رفتارش نسبت می‌دهد. کنش در این معنا ممکن است مشهود یا صرفاً درونی یا ذهنی باشد، ممکن است شامل مداخله‌ی مثبت در یک موقعیت، یا خودداری عمدی از چنین مداخله‌ای و یا پذیرش منفعلانه‌ی وضعیت باشد (کرایب، ۱۳۸۲). منظور ماکس وبر از کنش، رفتار معنادار و هدفمند است. مفهوم کنش از دیدگاه پارسونز، همه‌ی رفتار انسانی (و یا هر کنشگر دیگری) می‌باشد که انگیزه‌ی آن معانی است. پارسونز مفهوم کنش را ابتدا در نظام اجتماعی می‌سنجد و سپس آن را به نظام اقتصادی تعمیم می‌دهد (حاجی‌آبادی، ۱۳۸۲).

تعامل‌گرایی نمادین: کنش متقابل نمادین یکی از دیدگاه‌های نظری جامعه‌شناسی معاصر است که در دهه‌های اخیر بحث‌های فراوانی را برانگیخته است. این دیدگاه خود جزئی از بینش وسیع‌تری است که جامعه‌شناسی پدیدارشناسانه نامیده شده است (آزاد ارمکی، ۱۳۷۶). سه رهیافت برای این نظریه می‌توان برشمرد: رهیافت سنتی که با افکار مید و بلومر مشخص می‌شود؛ رهیافت علمی که توسط منفورد کان و به دنبال آن کارل کوچ مطرح گردید و از شیوه‌های کمی به جای روش‌های مشارکتی همدلانه - که مورد

1. Talcott Parsons

تأکید بلومر بود- در تحقیقات استفاده می‌کردند و رهیافت نمایشی که توسط گافمن مطرح گردید (ریترز، ۱۳۷۴).

پژوهش‌های انجام گرفته درباره‌ی محیط‌های خوابگاهی و دانشجویی، طیف گسترده‌ای از موضوعات را در بر می‌گیرند. پایک و همکاران در تحقیقات خود، ارتباط میان جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی و تجربیات به دست آمده از سوی دانشجویان را مورد بررسی قرار داده‌اند. از نظر او، جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌های دانشجویی موجب موفقیت تحصیلی دانشجویان می‌شوند. به علاوه، برنامه‌های جوامع یادگیری اثربخش‌تر از سایر برنامه‌های یادگیری‌اند و سرمایه‌گذاری در این نوع جوامع میزان دانش‌آموختگی موفق را افزایش می‌دهد (پایک، شرودر و بری^۱، ۱۹۹۷). ژنگ^۲ و همکاران (۲۰۰۲) نیز ضمن بررسی عوامل مؤثر در موفقیت دانشجویان، به این موضوع اشاره دارند که جوامع یادگیری نقش مهمی را در موفقیت دانشجویان ایفا می‌کنند. بنابراین، جوامع یادگیری می‌توانند در تجربیات موفق دانشجویان سهم به‌سزایی داشته باشند.

اوسلو و گیرجین (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان تأثیر شرایط سکونت در ایجاد مهارت حل مشکلات اجتماعی دانشجویان خوابگاه‌های ترکیه، نشان دادند که دانشجویان پسر مستقر در خوابگاه‌های دانشجویی بیشتر از دانشجویان دختر، توانایی ایجاد روابط عاطفی با دیگر دانشجویان را داشته و در حل مشکلات اجتماعی خود نسبت به آن‌ها موفق‌تر بوده‌اند. پژوهش محمودی راد و آراسته (۱۳۸۳) با عنوان «خوابگاه‌های دانشجویی به مثابه‌ی جوامعی برای یادگیری» نشان داد که خوابگاه‌ها در صورتی که با هدف ایجاد جوامع کوچک یادگیری در رشته‌های یکسان مورد بازنگری قرار گیرند، به محیطی ایمن و حمایتی برای افزایش گفت‌وگوها و فعالیت‌های فوق‌برنامه، تقویت مهارت‌های زندگی و سازگاری و تعامل بیشتر با محیط اجتماعی، رشد فردی و شغلی و مشارکت در اداره‌ی امور جامعه مبدل خواهند شد. مثنوی و همکاران (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان «نگرش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران در

1. Pike, Schroeder & Berry

2. Zheng

مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌ها» نشان دادند عواملی از قبیل نحوه‌ی توزیع اتاق‌ها، کاهش شرم حضور ناشی از کمبود فضای تعویض لباس و وسوسه‌های جنسی، در رفتار انحرافی در خوابگاه مؤثر بوده است. کلدی و فلاح (۱۳۸۸) به این نتیجه رسیده‌اند که ارزیابی دانشجویان در خصوص کارکردهای دانشگاه در سطح نسبتاً خوب بوده است. همچنین از اختلاف طبقاتی فرهنگی و برخی عوامل خانوادگی و قومی به عنوان مهم‌ترین مشکلات فرهنگی نام برده شده است.

بر اساس مطالعات انجام شده، می‌توان گفت بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه، بر مؤلفه‌هایی تمرکز داشته‌اند که به صورت مقایسه‌ای یا با استفاده از روش پرسشنامه‌ای به دست آمده‌اند و از کاوش در علت رفتارها و نیز تعبیر و تفسیر آن‌ها از رفتارها بازمانده‌اند. پی بردن به درک و تفسیر افراد از زندگی در فضای خوابگاهی، مستلزم درانداختن طرحی نو تحت عنوان پدیدارشناسی است. بر این اساس هدف اصلی این تحقیق درک پدیدارشناسانه‌ای از کنش‌های اجتماعی در زندگی خوابگاهی در بین دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان است.

روش

تحقیق حاضر به روش کیفی و با رویکرد پدیدارشناختی انجام شده، زیرا هدف پژوهش، بررسی درک، تجربه و تفسیر دانشجویان دختر از کنش‌های اجتماعی بوده است. دستیابی به این درک و تفسیر، جز از مسیر مصاحبه‌ی عمیق و اکتشافی و بازگویی تجارب زیست شده و حقیقت ساخته شده از سوی دانشجو امکان‌پذیر نبود. در این زمینه چناری (۱۳۸۶) بیان می‌دارد که پدیدارشناسی به جهان، آنچنان که توسط یک فرد زیسته می‌شود، و نه به عنوان واقعیتی که جدا از انسان باشد، توجه دارد. لذا این پرسش را مطرح می‌کند که «تجربه زیسته چه نوع تجربه‌ای است؟» زیرا می‌کوشد معانی را آنچنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شوند، آشکار نماید. بر این اساس، هدف ما نیز تجربیات و درک و تفسیرهای دانشجویان از زندگی در فضای خوابگاهی بود که به روش پدیدارشناسی انجام شد.

جامعه‌ی هدف در این تحقیق، دانشجویان دختر ساکن در خوابگاه‌های دانشجویی پردیس نسیمیه و مراکز آموزش عالی شهید شرافت شهر تهران بود. از میان این جامعه‌ی آماری، به شیوه‌ی نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس تعداد ۱۶ نفر از دانشجویان که در خوابگاه شبانه‌روزی سکونت داشتند، انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه بود و این فرایند تا حد اشباع نظری داده‌ها پیش رفت. مصاحبه‌ها با دانشجویان سال اول، دوم و سوم انجام شد که فرایند تعامل و کنش اجتماعی را حداقل یک سال تجربه کرده بودند. در این مصاحبه‌ها در عین توجه به وضعیت دانشجویان و ملاحظات اخلاقی، کوشیدیم ضمن ایجاد همدلی با دانشجویان، دریابیم که فرایند تعاملات اجتماعی را چگونه تجربه کرده و این تجارب خود را چگونه روایت می‌کنند.

در پژوهش از مدل تحلیلی پدیدارشناختی عبارت از اپوخه، تقلیل پدیدارشناختی، نوع تخیلی و ترکیب بافت و ساختار استفاده شد. در اپوخه، هرگونه تفهم، قضاوت و دانستنی کنار گذاشته می‌شود و پدیده مجدداً به صورت عینی، دست‌نخورده و با احساسی باز و وسیع از نقطه‌نظر یک خود ناب یا متعالی بازبینی می‌شود. در پژوهش حاضر برای دستیابی به این امر، از روش براکتینگ (پراتزگذاری) استفاده شد؛ بدین معنی که موارد مربوط به پیشینه ذهنی محقق روی کاغذ آورده شد و در فرایند مصاحبه حتی الامکان سعی شد به آن‌ها پرداخته نشود. در بخش تقلیل پدیدارشناختی، محقق و دوستان مطلع^۱ با شک و تردید به باورها، مفروضات و سوگیری‌های شخصی در مورد کنش اجتماعی دانشجویان تحت مطالعه پرداختند و بدین وسیله پدیده‌ی کنش اجتماعی، از ایده‌ها و تصورات از پیش درک شده جدا شد. دوستان مطلع در این پژوهش، شامل یکی از اعضای هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان با تخصص مدیریت آموزشی و آشنا به روش تحقیق کیفی بود.

۱. عبارت «دوستان مطلع» یا «دوستان منتقد» (critical friends) اشاره به فردی دارد که معمولاً همکار یا شریک پژوهشگر است، بر پژوهش کیفی انجام شده تسلط دارد و راهنمایی‌های لازم را در مسیر انجام پژوهش ارائه می‌دهد (کوشای، ۲۰۰۵، ترجمه‌ی نامداری پژمان، ۱۳۹۰).

روش گردآوری داده‌ها، مصاحبه‌ی عمیق و اکتشافی بود. بدین صورت که با شروع مصاحبه و بیان سؤالات علت درک و تفاسیر آن‌ها و ابعاد درک و تفسیر آن‌ها سؤالاتی پرسیده می‌شد یا با ادات استفهامی توضیحات بیشتری ارائه می‌شد تا از این طریق به طور عمیقی به درک و تفسیر دانشجویان پی برده شود. مصاحبه‌ها با هر دانشجو به طور جداگانه و در زمان و مکان مشخصی در خوابگاه صورت گرفت. زمان انجام مصاحبه‌ها دو ساعت بعد از پایان کلاس‌های روزانه و در یک اتاق آرام و به دور از سر و صدا و مدت زمان انجام هر مصاحبه، تقریباً یک ساعت بود. پیش از ورود به خوابگاه، مجوز ورود از نهادهای قانونی اخذ شد. مصاحبه‌ها با رضایت دانشجویان ضبط شدند.

مصاحبه‌ها با تعدادی سؤال از پیش طراحی شده شروع شدند. اما بعد از انجام تعدادی مصاحبه و با استفاده از نظرات خود مصاحبه‌کنندگان متوجه شدیم که سؤالات اولیه قابل تغییر و تبدیل‌اند؛ همچنین می‌توان تعدادی از سؤالات را حذف کرده و سؤالات تازه‌ای جایگزین آن‌ها کرد. به این ترتیب بعد از تعدادی مصاحبه، تغییراتی اعمال شد. پس از انجام هر مصاحبه، تحلیل اولیه‌ای صورت می‌گرفت و مفاهیم بارز مشخص می‌شد و سپس به سراغ مصاحبه‌ی بعدی می‌رفتیم تا به حدی از اشباع نظری دست پیدا کردیم. اما برای اطمینان، دو مصاحبه‌ی دیگر نیز صورت گرفت و آن‌ها نیز تقریباً همان مفاهیم قبلی را بازگو می‌کردند. همانگونه که ذکر شد، هدف این بود که ببینیم دانشجویان دختر کنش اجتماعی را چگونه درک و تجربه می‌کنند و سپس چگونه با آن کنار می‌آیند. برای این منظور درونمایه‌ی سؤالات خود را به قرار زیر طرح کردیم:

- زندگی خوابگاهی را چگونه می‌بینید؟

- اوقات خود را در زندگی خوابگاهی چگونه می‌گذرانید؟

- نحوه و نوع تعامل و ارتباط شما با هم‌خوابگاهی‌ها و دیگر دانشجویان چگونه است؟

برای تعیین روایی محتوایی سؤالات از نظر متخصصان استفاده شد. بدین صورت که سؤالات طرح شده برای مصاحبه، در اختیار چهار نفر از متخصصان گذاشته شد و پس از جرح و تعدیل‌های انجام شده، سؤالات نهایی تدوین شدند. در این پژوهش همانند سایر

پژوهش‌های کیفی، برخی سؤالات نیز در فرایند انجام مصاحبه به صورت موقعیتی پرسیده شدند.

داده‌ها با دو روش کدگذاری آزاد و انتخابی تحلیل شدند. در کدگذاری آزاد مفاهیم اصلی که در حقیقت سنگ بنای تحقیق بوده و خود میدان در اختیار ما قرار داده و ما قبل از شروع مصاحبه‌ها ذهنیتی از آن‌ها نداشتیم، در جدولی مرتب شدند. ترتیب قرار گرفتن این مفاهیم بر اساس سلیقه‌ی محقق بوده و متد و علت خاصی ندارد؛ یعنی می‌توان جای آن‌ها را عوض کرد و این امر تأثیری بر نتیجه تحقیق ندارد. از آنجا که هر یک از این مفاهیم قطعاً مفاهیم دیگری را در دل خود پنهان کرده‌اند بنابراین در کدگذاری انتخابی به مقولاتی که از دل این مفاهیم بیرون می‌آمد پرداختیم، سپس همین مقولات را در سطحی کلی‌تر و انتزاعی‌تر بررسی کردیم تا به گزاره‌های اصلی تحقیق دست پیدا کنیم.

یافته‌ها

الف- کدگذاری باز

کدگذاری نشانگر عملیاتی است که طی آن داده‌ها خرد شده، مفهوم‌پردازی می‌شوند و آن‌گاه به روش‌های جدید دوباره به یکدیگر متصل می‌شوند. در این تحقیق از دو روش کدگذاری آزاد و انتخابی استفاده شد.

همانطور که گفته شد در کدگذاری باز، مقولات اصلی به دست آمده در جریان مصاحبه ارائه می‌شوند تا نمای کلی تحقیق پیش روی خوانندگان قرار گیرد. کدگذاری آزاد (باز) بخشی از تجزیه و تحلیل است که به صورت مشخص به نام‌گذاری و مقوله‌بندی پدیده‌ها از راه بررسی دقیق داده‌ها می‌پردازد. آنچه در ادامه بیان می‌شود مقولاتی است که در هنگام مصاحبه و با توجه به پرسش‌های تحقیق به آن‌ها دست پیدا کردیم.

مقوله‌ی ۱- تعامل سازنده با مسئولین خوابگاه: تجربه‌ی تعامل با مسئولین خوابگاه از جمله سرپرست شبانه‌روزی که در دانشگاه فرهنگیان از پست‌های حساس است، یکی از عوامل مهم در تجربه زیست شده دانشجویان بود. در این زمینه دانشجویان اظهار داشتند مشکلات ایشان در نشست‌های تخصصی و عمومی توسط مسئولین شنیده می‌شود و برخورد آن‌ها، فعالانه و با احساس است. دانشجویان از این نوع برخورد احساس رضایت

داشتند. همچنین مسئولین به دانشجویانی که از نقاط دوردست وارد دانشگاه شده بودند و یا مشکلاتی داشتند، نگاه ویژه‌تری داشتند و حمایت‌های عاطفی از آن‌ها انجام می‌دادند. در این زمینه یکی از دانشجویان بیان داشت: "یکی از بچه‌های دانشگاه، پدرش سفیر ایران در آفریقا است. یکی از سرپرست‌های ما هوای او را خیلی بیشتر دارد، چون بالأخره پدر و مادرش ایران نیستند." و ادامه داد: "ترم‌های پیش سرپرستی داشتیم که ایشان می‌آمدند و با مشورت بچه‌ها فعالیت می‌کردند. مثلاً می‌گفتند ساعت ۹ شب در نمازخانه جلسه است. همه پایین می‌رفتند و جلسه به صورت پرسش و پاسخ بود. با هم صحبت می‌کردیم و همانجا می‌گفتند که این قانون است و هر کس صحبتی داشت می‌گفت و دیگر مشکلی پیش نمی‌آمد."

مقاله‌ی ۲- تعلق خاطر به محیط خوابگاهی: دوست داشتن محیط خوابگاهی و احساس تعلق خاطر یکی از کدهایی بود که دانشجویان آن را بیان کردند. در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش محیط تحصیل و زندگی دانش‌آموزی و دانشجویی باید تجلی مراتب حیات طیبه و جامعه‌ی صالح، کانون عرضه‌ی خدمات و فرصت‌های تربیتی، زمینه‌ساز درک و اصلاح موقعیت توسط متریبان و تکوین و تعالی هویت آنان باشد (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). دانشجویان در چنین محیطی احساس امنیت، رضایت و خودشکوفایی می‌کند. بر اساس بیانات و اظهار نظرات دانشجویان، ایشان علاقه وافری به زندگی خوابگاهی داشتند و حتی آن را به زندگی با خانواده ترجیح می‌دادند. آن‌ها زندگی خوابگاهی را دوست داشتند و تجربه‌ی زندگی در خوابگاه را متفاوت می‌دانستند. محبت‌ها، قهرها، رفتارها، احساسات و نگاه‌ها خاص و متفاوت بودند. یکی از دانشجویان در این زمینه اظهار داشت: "فکر می‌کنم زندگی خوابگاهی بهتر از زندگی با خانواده است. درست است که خیلی به خانواده‌ام وابسته هستم و دوست دارم در کنار خانواده باشم، ولی زندگی در خوابگاه مزیت‌هایی دارد از قبیل این‌که گروهی با هم درس می‌خوانیم و اشکالات همدیگر را رفع می‌کنیم."

مقاله‌ی ۳- احساس خوب از زندگی در خوابگاه: احساس خوب از زندگی در خوابگاه با رضایت‌مندی گره خورده است. رضایت از زندگی خوابگاهی به معنای ارضای امیال

(انتظارات و نیازهای) معقول و منطقی فرد است. به طوری که هرچه نیازها و انتظارات فرد از موقعیت‌ها و اشخاص بهتر برآورده شود، رضایت و خشنودی از آن شخص یا موقعیت بیشتر خواهد بود (نوری، ۱۳۹۰). شاید بتوان احساس خوب را با نظریه‌ی سلسله مراتب نیازهای مازلو توجیه کرد که در آن نیازها شامل نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی، پذیرش اجتماعی، احترام و خودشکوفایی عنوان شده است. اظهاراتی مانند "من زندگی در خوابگاه را به زندگی با خانواده ترجیح می‌دهم"، "زندگی خوابگاهی خیلی خوبه"، "کلاً زندگی خوابگاهی را دوست دارم" و "اگر بخوام بین زندگی با خانواده یا خوابگاه یکی را انتخاب کنم، خوابگاه را انتخاب می‌کنم" حاکی از رضایت در خوابگاه و زندگی خوابگاهی است.

مقوله‌ی ۴- سازگاری و انطباق با شرایط: قدرت تطابق با شرایط جدید از فاکتورهای انسان هوشمند است. سازگاری فرایندی کم و بیش آگاهانه فرض می‌شود که بر پایه‌ی آن فرد با محیط اجتماعی، طبیعی یا فرهنگی انطباق می‌یابد. این انطباق مستلزم آن است که فرد خود را تغییر داده یا این‌که فعالانه تغییراتی در محیط ایجاد نماید و در نتیجه هماهنگی لازم بین فرد و محیط ایجاد شود (زارعی و میرهاشمی، ۱۳۹۱). دانشجویان در زمینه‌ی سازگاری و انطباق با شرایط به تعامل با فرهنگ‌های گوناگون علاقه نشان می‌دادند، برخی از عادات گذشته خود را ترک کرده بودند، خود را با تفاوت‌ها و سلیق گوناگون وفق داده بودند و با اطرافیان و رفتارهای آن‌ها، شرایط، فرهنگ‌ها و افراد مختلف، سازگاری تدریجی یافته بودند.

مقوله‌ی ۵- کنار آمدن: کنار آمدن به معنای «به توافق رسیدن با یک موضوع و یا با دیگری بر سر یک موضوع» می‌باشد. اصلاحاتی مانند «کنار آمدن با بقیه» و «با هم کنار آمدن» حاکی از این مقوله است. گالاگر^۱ و همکاران (۲۰۰۳) کنار آمدن (مقابله) را تلاش‌های فرد در زمینه‌های هیجانی، شناختی و رفتاری می‌دانند که هنگام رویارویی با فشار روانی برای غلبه، تحمل و یا به حداقل رساندن عوارض فشار روانی به کار گرفته می‌شود. در این زمینه کنش یکی از دانشجویان در قالب عبارت ذیل نمود داشت: "وقتی

به اینجا می‌آیی چون از فضای خانه‌تان دور می‌شوی و مجبوری با ۷ نفر دیگر زندگی کنی، خیلی از اخلاق‌هایت تغییر می‌کند. مثلاً من وقتی ترم اول بودم خیلی زود عصبانی می‌شدم ولی الان اصلاً اینطور نیستم."

مقوله‌ی ۶- درک متقابل: درک متقابل یعنی «دیگران را به حال خود بگذاریم» و این یعنی به آن‌ها اجازه دهیم خواسته‌ها، هیجانات، باورها و ارزش‌های خود را داشته باشند. این درک را می‌توان با تئوری تحلیل رفتار متقابل^۱ (TA) مرتبط دانست. در تحلیل رفتار متقابل نقش محیط و ارتباط اجتماعی از اهمیت فراوانی برخوردار است. با این حال نهایتاً افراد خود مسئول زندگی و رفتار خود هستند و فرد باید این مسئولیت را پذیرا باشد و به نقش خود در زندگی بیشتر از هر عامل دیگری توجه نماید. تحلیل رفتار متقابل به روابط و مشکلات درونی شخص و رابطه‌ی انسان‌ها با یکدیگر توجه خاصی دارد و اعتقاد بر این است که اگر افراد با یکدیگر روابط سالم، صمیمانه و صادقانه داشته باشند و آن را جایگزین روابط مخرب، منفی و تحقیرآمیز نمایند قادر خواهند بود که از فشارهای روانی خود و دیگران بکاهند و از زندگی لذت بیشتری ببرند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۲). این کنش، در بین دانشجویان به صورت «هم‌ذات‌پنداری»، «درک احساس دیگران»، «درک بهتر دیگران» و «درک دیدگاه‌ها در نحوه‌ی مدیریت امور» نمود پیدا کرد.

مقوله‌ی ۷- عطوفت: عطوفت، به معنای مهربانی و در نظر گرفتن شرایط دیگران، با زمینه‌هایی از «دلسوزی»، «توجه به مسائل و مشکلات» و «رعایت حال همدیگر» می‌باشد. این کنش اجتماعی، با جملاتی ازین قبیل همراه بود: "دلسوزتر شده‌ام. مثلاً وقتی یکی از هم‌اتاقی‌هایم مریض می‌شود یا مشکلی برایش پیش می‌آید، چون شب و روز با هم هستیم، خیلی برایم مهم می‌شود" یا "در مراودات خوابگاهی به مسائل و مشکلات همدیگر توجه می‌کنیم و حساس می‌شویم. اینجا عطوفت و مهربانی به اوج می‌رسد".

مقوله‌ی ۸- حاکمیت همدلی: همدلی یکی از مهارت‌های زندگی است و به این معناست که فرد بتواند مسایل دیگران را حتی زمانی که در آن شرایط قرار ندارد درک کند و به آن‌ها احترام بگذارد. این مهارت موجب می‌شود تا به دیگران توجه کرده و آن‌ها را

دوست داشته باشیم و خود نیز مورد توجه و دوست داشتن دیگران قرار بگیریم و با ایجاد روابط اجتماعی بهتر به هم نزدیک‌تر شویم (لطافتی و زرینی، ۱۳۹۴). اتحاد داشتن، حاکم کردن جو مناسب، هوای هم را داشتن و شادی مشارکتی، از مصداق‌های حاکمیت همدلی است.

مقوله‌ی ۹- صبوری: یکی از کنش‌های اجتماعی ایجاد شده در محیط خوابگاهی کنار آمدن با یکدیگر و صبور شدن است. در این زمینه یکی از دانشجویان اظهار داشت: "من آدم صبوری نبودم اما فضا و تعاملات خوابگاهی باعث شده یاد بگیرم در برخورد با دیگران چطور صبوری کنم".

مقوله‌ی ۱۰- ازخودگذشتگی: در بررسی مفهوم لغوی ازخودگذشتگی و اینار، به عباراتی مانند برگزیدن، اختیار کردن، اکرام نمودن و تفضیل دادن برمی‌خوریم. در اصطلاح نیز به این معنی است که «آدمی از روی قصد و نیت خیر، غیر را بر خود اختیار کند و او را بر خویشتن برگزیند». اینار و دیگرگزینه‌ی عمل متعالی و اخلاقی است و در مقابل آن، استیثار و خودگزینه‌ی قرار دارد که جزء رذیلت‌های اخلاقی محسوب می‌گردد. دانشجویان، ازخودگذشتگی را به صورت کم شدن کینه‌ها، گذشت به خاطر راحت زندگی کردن و چشم پوشی کردن از خطای دیگران درک کردند.

مقوله‌ی ۱۱ - استقلال یافتن در امور: استقلال به معنای خودمختاری از سازه‌های مورد بررسی در نظریه‌ی شناختی-اجتماعی بندورا است که با نظریه‌ی خودتعیین‌گری^۱ قابل تبیین است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌های انگیزش، نظریه‌ی خودتعیین‌گری است (کدیور، ۱۳۹۰). مطابق با این نظریه، سه نیاز روان‌شناختی اساسی وجود دارد: خودمختاری^۲، شایستگی^۳ و ارتباط^۴. این نظریه فرض می‌کند که نیازها برای شایستگی، ارتباط و خودمختاری زیربنای رفتارهای انسان هستند. آن‌ها فطری و برای رشد و بهزیستی روان‌شناختی ضروری هستند. فرض دیگر این است که در هر حیطه‌ای از زندگی انسان، فرصت‌ها برای تجربه‌ی خودمختاری، شایستگی و ارتباط در ارتقای رضایت از زندگی و بهزیستی ضروری است.

1. determinism theory
2. autonomy
3. competence
4. relatedness

«تعمیم سازگاری با سایر شرایط»، «خودساخته شدن»، «روی پای خود ایستادن»، «استقلال از خانواده»، «استقلال فردی»، «نقش استقلال در انجام وظایف و نقش استقلال در دفاع از خود»، از جمله اصطلاحات قابل احصاء در مصاحبه‌ها بود.

مقوله‌ی ۱۲- رضایت به کنترل بیرونی: کنترل به اعمال نفوذ و قدرت از سوی فرد اشاره دارد که می‌تواند مشروع و یا نامشروع باشد. تمایل به اعمال کنترل از سوی سرپرست خوابگاه و اجرای قوانین و مقررات به موضوع قدرت مشروع بر می‌گردد. «تمایل به کنترل بیرونی از سوی مسئولین» و «تمایل به کنترل ورود و خروج» از جمله مواردی بود که دانشجویان در این مقوله بیان کردند و کنش‌های درک شده را بدین شکل بیان نمودند: "سختگیری خیلی خوب است چون ما در جمع‌های دوستانه‌ی خودمان می‌بینیم که مشکلاتی وجود دارد و اگر بچه‌ها را کنترل نکنند، ممکن است حادثه‌ای روی دهد".

مقوله‌ی ۱۳- مسئولیت‌پذیری: یکی از ویژگی‌های مهم شخصیتی که در موفقیت فرد نقش عمده‌ای ایفا می‌کند، مسئولیت‌پذیری است. مسئولیت‌پذیری یک الزام و تعهد درونی از سوی فرد برای انجام مطلوب همه‌ی فعالیت‌هایی می‌باشد که بر عهده‌ی او گذاشته شده است. فردی که مسئولیت کاری را بر عهده می‌گیرد، توافق می‌نماید که یک‌سری فعالیت‌ها و کارها را انجام دهد و یا بر انجام این کارها توسط دیگران نظارت داشته باشد. این کنش با اصطلاحاتی مانند «مسئول وظایف خود بودن» و «انجام کارهای محوله» توصیف و تبیین شد.

مقوله‌ی ۱۴- نظم‌پذیری: زندگی جمعی از جمله زندگی خوابگاهی شرایطی ایجاد می‌کند که افراد نظم‌پذیری داشته باشند تا از این طریق، بتوانند با فراهم آوردن آسایش و آرامش بیشتر، امور خود را پیش ببرند. این کنش اجتماعی با رعایت نظم، مرتب بودن و نظم‌پذیری قابل توجه است. در این زمینه، یکی از دانشجویان اظهار داشت: "یک‌سری مسائل را باید خیلی بیشتر رعایت کرد. تمیزی و مرتبی، رفتار، و کلاً همه چیز باید رعایت شود چون اگر کوچکترین کوتاهی‌ای بکنی، خیلی چیزها به هم می‌ریزد".

مقوله‌ی ۱۵- نقش‌پذیری: نقش‌پذیری از موضوعات مهم روان‌شناسی رشد در بخش ارتباطات اجتماعی است. نقش‌پذیری فرآیند دریافتن مسائلی از این قبیل است که «من

چیستیم؟»، «چه جنسیتی دارم؟»، «چه انتظاراتی از من می‌رود؟» و «چه رفتاری باید ارائه دهم؟». پذیرفتن نقش‌های مختلفی مانند نقش فرزندی، پدری، مادری، شهروندی، دانشجویی و تمام مشاغل، روند خاص خود را دارند. این کنش در دوره‌ی دانشجویی با «انجام وظایف جدید» و «نقش‌های زندگی خوابگاهی»، «نقش‌های آموزشی» و ... همراه است. یکی از دانشجویان در این زمینه بیان داشت: "کارهایی را می‌کنم که برخی را اولین بار است که انجام می‌دهم. این کارها مختص دانشجو بودن است".

مقوله‌ی ۱۶- مشارکت‌پذیری: اصطلاح «مشارکت‌پذیری» به فرآیندی اشاره دارد که افراد طی آن اقدام به عمل جمعی نموده یا رفتار خود را معطوف به تحقق هدفی مشترک نمایند. کنش اجتماعی «مشارکت‌پذیری» در زندگی خوابگاهی دانشجویان دانشگاه فرهنگیان در زمینه‌هایی مانند «تأثیر هم‌رشته‌ای‌ها در ایجاد بحث‌های علمی»، «همکاری با هم در امور مشترک»، «همکاری در انجام امور روزمره»، «همکاری و هم‌آموزی هنرهای مختلف» نمود می‌یافت.

مقوله‌ی ۱۷- تعهد: در لغت تعهد به معنای «عهد و پیمان» است. شهید مطهری، تعهد را به معنی پایبندی به اصول و قراردادهایی می‌داند که انسان نسبت به آن‌ها معتقد است و بیان می‌دارد: "فرد متعهد کسی است که به عهد و پیمان خود وفادار باشد و برای اهداف آن تلاش نماید" (الحسینی، ۱۳۸۰). کنش تعهد در دانشجویان خوابگاهی دانشگاه فرهنگیان به صورت «تعهد به انجام فرائض دینی»، «تعهد نسبت به دیگران» و «تعهد واقعی به دوستی» نمود داشت.

مقوله‌ی ۱۸- قانون‌پذیری: قانون‌پذیری به عنوان جزئی از فرایند اجتماعی شدن افراد جامعه تلقی می‌شود. در جریان اجتماعی شدن، افراد به تدریج هنجارها، ارزش‌ها و آداب و قوانین جامعه را فرا می‌گیرند و آن را جزئی از شخصیت خود تصور می‌کنند (روشه، ۱۳۷۰). اگر فرایند اجتماعی شدن درست انجام گرفته باشد، افراد جامعه دلبستگی و علاقه-ی فراوانی به رعایت قوانین داشته و سعی می‌کنند از آن‌ها تخطی نکنند. دانشجویان این کنش اجتماعی را ناشی از «زمان‌بندی فعالیت‌ها»، «قوانین و مقررات» و «بلوغ اجتماعی» می‌دانستند.

مقوله‌ی ۱۹- تقسیم و عمل به وظایف: زندگی جمعی همواره با چالش‌هایی مانند زمان‌بندی و تقسیم‌بندی فعالیت‌ها روبه‌روست. زندگی خوابگاهی و دانشجویان ساکن در آن به عنوان اجتماعی از انسان‌های دارای اهداف مشترک، همواره با چنین بحث‌هایی مواجه‌اند. «تقسیم وظایف» و «عمل به وظایف خود» دو مقوله‌ی مهم در این زمینه هستند. یکی از دانشجویان در این زمینه بیان داشت: "مسئولیت‌هایمان را تقسیم می‌کنیم؛ به این صورت که یک روز یکی جارو بزند، یکی غذا بپزد. مسئولیت‌ها را که تقسیم می‌کنیم خیلی خوب است".

مقوله‌ی ۲۰- احترام به حقوق دیگران: همانگونه که آدمی دوست دارد دیگران به حق او تجاوز نکنند و احساسش را نادیده نگیرند، خود نیز به حکم وجدان و انسان بودن، وظیفه دارد تا حقوق همه‌ی انسان‌ها را محترم شمارد. احترام به حقوق دیگران از مصادیق زندگی شهروندی و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز به شمار می‌رود. دانشجویان این کنش اجتماعی را به صورت «احترام به افرادی از فرهنگ‌ها و اقلیم‌های مختلف» و «احترام به نظرات و ایده‌های دیگران» تجربه کردند. یکی از دانشجویان این تجربه را بدین صورت درک کرده بود: "شرایط و تعاملات به گونه‌ای بوده که یاد گرفتم باید حقوق بقیه را رعایت کرد".

مقوله‌ی ۲۱- گرایش به رفتارهای مثبت: این کنش اجتماعی به صورت تمایل دانشجویان به انجام رفتارهای مثبت، عامه‌پسند و اخلاق‌محور تعریف شد. این کنش‌ها به صورت «عدم تمایل به دوستی با افراد ناقض حرمت دیگران»، «شکل دادن رفتارهای خوب در خود»، «برخورد صمیمانه و دلسوزانه» و «برقراری روابط صمیمانه با افراد غیربومی» پدیدار شد.

مقوله‌ی ۲۲- کنترل رفتار و احساسات: درباره‌ی عواملی که در رفتار انسان مؤثرند و آن را کنترل می‌نمایند، دو دیدگاه وجود دارد؛ دیدگاه روانکاوان که سعی در تجسس و تحقیق و کشف محتوای شخصیتی فرد با توجه به تاریخ زندگی‌اش و مطالعه‌ی دقیق وقایع آن دارند. و گروه دیگر که سعی دارند تا اثر موقعیت کنونی فرد را در رفتار او تقلیل دهند و خودنمایی و تظاهر و ابراز وجود کنند. در زمینه‌ی کنترل رفتارها و احساسات باید گفت دو دسته عوامل

درونی و بیرونی مؤثرند. عوامل درونی به سوابق و تجربیات گذشته‌ی فرد که به سبب موفقیت‌ها و ناکامی‌های او، در وی تمایل‌ها، تنفرها و انزجارهایی را موجب شده‌اند و وجود خود را در رفتارهای بعدی شخص بروز می‌دهند، مربوط می‌شوند. عوامل بیرونی مؤثر در کنترل رفتار انسان بر رفتارهای انسان تأکید می‌کنند. آنان معتقدند که ساختمان بدنی انسان بسیار حساس و واکنش‌گراست تا منتقل‌کننده‌ی انگیزه‌های ثابت ظاهرشونده‌ای باشد از آنچه که آن‌ها آن را مخزن انگیزه‌ها و محتوای آن‌ها می‌دانند. در این زمینه به اثرهای موقعیتی در رفتار و نیز تأثیر متقابل شخصیت و موقعیت توجه می‌شود. «کنترل خشم»، «کنترل رفتارها» و «کنترل احساسات» سه بخش این کنش اجتماعی به شمار می‌رود. یکی از دانشجویان این کنش را در قالب این عبارات بیان کرد: "[در خوابگاه] آدم دلش مثلاً از آدم‌های دور و برش می‌گیرد ولی خب به هر دلیلی [دلگیری‌ات را] بیان نمی‌کنی. برای این که لزومی ندارد بگویی، یا فکر می‌کنی طرف مقابلت درک نمی‌کند، یک‌جور دیگر برداشت می‌کند."

مقوله‌ی ۲۳- تاب‌آوری (تحمل): تاب‌آوری به عنوان یکی از سازه‌های اصلی روان-شناسی مثبت‌نگر محسوب می‌شود. گارمزی و ماستن^۱ (۱۹۹۱) تاب‌آوری را «یک فرایند، توانایی یا پیامد سازگاری موفقیت‌آمیز با شرایط تهدیدکننده‌ی محیطی» تعریف نموده‌اند که نقش مهمی در مقابله با تنیدگی‌ها و تهدیدهای زندگی و آثار نامطلوب آن دارد. به بیان دیگر تاب‌آوری، توانایی سازگاری سطح کنترل بر حسب شرایط محیطی است (والر^۲، ۲۰۰۱). البته تاب‌آوری تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نمی‌باشد، بلکه شرکت فعال و سازنده در محیط پیرامون خود است؛ به بیان دیگر تاب‌آوری، توانایی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است (کانر و داویدسون^۳، ۲۰۰۳). افزون بر این، پژوهشگران بر این باورند که تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت عاطفی و شناختی است که این خود نقش مهمی در سازگاری و رضایت هرچه بیشتر از زندگی دارد (لوتر، سیچتی و بکر^۴، ۲۰۰۰).

1. Garnezy & Masten
2. Waller
3. Conner & Davidson
4. Luthar, Cicchetti & Becker

دانشجویان در این کنش اجتماعی رفتارهایی مانند «مواجه شدن با مشکلات شیرین دوستانه»، «دید فعالانه نسبت به مشکلات»، «محکم‌تر بودن در زندگی»، «سبک شمردن مشکلات»، «سودمندی در عین سختی‌ها»، «تحمل دوری از خانواده»، «تحمل سختی‌ها برای دستیابی به اهداف»، «تحمل سختی‌ها به تنهایی»، «تحمل مشکلات به‌خاطر شغل و شرایط آینده»، «تحمل مشکلات و تأثیر آن در زندگی شغلی آینده» را ابراز داشتند.

مقاله‌ی ۲۴ - خودراهبری: این کنش اجتماعی اشاره به فرایندی دارد که طی آن افراد در خصوص نیل به خودهدایتی و خودانگیختگی لازم برای عمل، بر خود تأثیر می‌گذارند (یوکل^۱، ۲۰۰۲). کنش اجتماعی خودراهبری در قالب رفتارها و توانمندی‌هایی مانند «دید باز داشتن»، «انطباق دادن رفتارها به اختیار خود»، «برنامه‌ریزی امور»، «سازماندهی فعالیت‌ها به اختیار خود» و «مدیریت زمان» در دانشجویان نمود داشت.

مقاله‌ی ۲۵ - رقابت مثبت تحصیلی: اساس اجتماع زندگی دانشجویی بر پایه‌ی تحصیل و یادگیری دانش و مهارت نهاده شده است. مطالعه، تحقیق، انجام تکالیف درسی و ... از جمله مواردی است که دانشجویان وقت خود را صرف آن می‌کنند و این کار را در محیط خوابگاه، سالن مطالعه و اماکن دیگر انجام می‌دهند. این فرایند، جوی مناسب و مثبت بین دانشجویان فراهم می‌آورد تا از این طریق با الگوبرداری و ترغیب و یادگیری جانشینی، با دیگر دانشجویان به صورت مثبت رقابت داشته باشند. دانشجویان این کنش اجتماعی را در قالب عبارات ذیل درک کرده بودند: "اینجا فضا رقابتی است. مثلاً می‌بینم دوستم دستش کتاب است و همه‌اش دارد مطالعه می‌کند، من هم ترغیب می‌شوم که مطالعه کنم"، "فکر کنم یک‌خرده هم درس‌خوان‌تر شده‌ام. چون اگر درس را هم خوانده باشم اما ببینم دوستانم دارند درس می‌خوانند، من هم کتاب جلویم می‌گیرم و درس می‌خوانم. ذاتم نمی‌گذارد که نخوانم".

مقاله‌ی ۲۶ - دوست‌یابی مبتنی بر ملاک‌های ویژه: پیدا کردن دوستان جدید در دانشگاه و پایداری این دوستی‌ها از ویژگی‌های بارز دوران دانشجویی است. علت این امر، رشد منطقی، عقلی و عاطفی و اجتماعی دانشجویان می‌باشد. در این دوره دوستی‌ها به دلیل همین

رشد مبتنی بر ملاک‌های ویژه‌ای است که ماندگاری دارند. دانشجویان این کنش اجتماعی را به صورت «دوستی بر اساس اشتراکات و علائق» و «رضایت از همسانی دانشجویان در خوابگاه به‌خاطر گزینشی بودن» درک کرده بودند.

مقاله‌ی ۲۷- ایجاد جوامع یادگیرنده: امروزه تحول تازه‌ای در طراحی و عملکرد خوابگاه‌ها، با هدف زمینه‌سازی ایجاد جوامع یادگیرنده، در حال شکل‌گیری است. در این تحول، می‌توان خوابگاه‌ها را به محلی ایده‌آل برای پرورش دانشجویان در محیط‌های علمی تبدیل کرد. بسیاری از دانشگاه‌ها با استفاده و بهره‌گیری از تجارب سایر مراکز آموزش عالی، ایجاد جوامع یادگیرنده در خوابگاه‌ها را در برنامه‌ریزی‌های راهبردی خود در اولویت خاص قرار داده‌اند. اساس این کنش اجتماعی، یادگیری مهارت‌ها و دانش‌های مورد نیاز در زندگی است. «یادگیری صبوری»، «یادگیری گذشت»، «یادگیری مثبت از رفتارهای منفی»، «یادگیری مسئولیت‌پذیری»، «یادگیری نوع رابطه‌ی مثبت با خانواده» همگی از مصادیق جوامع یادگیرنده مانند خوابگاه‌های دانشجویی است.

مقاله‌ی ۲۸- کسب تجربیات مفید و مختلف: تجربه‌اندوزی در محیط‌های جمعی کنشی است که شاید بتوان آن را از نظر دانشی و نگرشی، یکی از مفیدترین نتایج دانست. دانشجویان در این زمینه مواردی از جمله «تجربه‌ی زندگی واقعی»، «تجربه‌ی متفاوت داشتن»، «استفاده از تجربیات دوستان»، «کسب تجربه در زمینه‌ی نحوه‌ی برخورد با رفتارهای مختلف» و «کسب تجربه با وجود محدودیت‌ها» را درک کرده بودند.

مقاله‌ی ۲۹- کسب تجربه برای تعمیم به نقش‌های آینده: دانشگاه فرهنگیان، به لحاظ رسالت اصلی خود، یعنی تربیت معلم، در زمینه‌ی پروراندن انسان‌های شایسته، کارآمد و آشنا به اصول و فنون معلمی به دنبال ایجاد محیطی سازنده است تا از آن طریق دانشجویان با کسب تجربیات مفید برای ایفای نقش خود در آینده آماده شوند. این تجربیات می‌تواند در تنش‌های آتی شغلی اثرگذار باشد و حتی زندگی خانوادگی را تحت تأثیر قرار دهد. محیط خوابگاهی و تجارب زیست شده در آن، می‌تواند بر سازگاری با محیط‌های آتی و تحمل مشکلات مؤثر باشد. یکی از دانشجویان در این زمینه، ادراکات خود را این‌طور بیان کرد: "فکر کنم اگر در مدرسه با چنین مشکلاتی مواجه بشوم، خیلی راحت‌تر بتوانم با

بچه‌ها کنار بیایم. چون قبلاً در فضایی بوده‌ام که آنقدر کنش و تنش در آن بوده که بتوانم در مدرسه هم این مسائل را حل کنم"،

مقاله‌ی ۳۰- یادگیری با هم: یادگیری اساس ادامه‌ی حیات، سازگاری، ارتقاء و خودشکوفایی است. یادگیری اجتماعی ریشه در نظریه‌های شناختی-اجتماعی بندورا و نیز نظریه‌های فرهنگی-اجتماعی ویگوتسکی دارد. در رویکرد مشارکتی فراگیران از طریق همکاری در قالب گروه‌ها به یادگیری می‌رسند و در قبال یادگیری احساس مسئولیت می‌کنند. زمانی که هم‌کلاسان‌شان نیاز به کمک داشته باشند به کمک می‌شتابند و موفقیت دیگران، موفقیت آنان و شکست دیگران، شکست آنان محسوب می‌شود. این رویکرد موجب یادگیری عمیق‌تر و خلاقیت و نوآوری بیشتر آن‌ها می‌شود (الیس و والن^۱، ترجمه‌ی رستگار و ملکان، ۱۳۸۷). دانشجویان این کنش اجتماعی را با شرایطی مانند «الگوپذیری از دوستان و هم‌رشته‌ای‌ها»، «یادگیری با هم» و «کمک به یکدیگر در مسائل درسی» تجربه کردند و در این راستا کنش‌های خود را در قالب جملات ذیل بیان کردند: "اشکالات همدیگر را رفع می‌کنیم و از همدیگر سؤال می‌کنیم. چیزهایی که من بلدم به آن‌ها می‌گویم و چیزهایی که آن‌ها بلدند به من یاد می‌دهند". "با همدیگر حل می‌کنیم. زبان‌ها را با هم ترجمه می‌کنیم. درس‌ها را قسمت‌بندی می‌کنیم و بچه‌ها برای هم توضیح می‌دهند اگر کسی چیزی را بلد نباشد. خیلی بهتر است".

مقاله‌ی ۳۱- ارتقاء و بهبود روابط اجتماعی: زندگی اجتماعی زمینه‌ساز شرایطی است که برای ادامه‌ی حیات جمعی و سازگاری باید آن‌ها را رعایت کرد و یا پذیرفت. بهبود روابط اجتماعی، از جمله کنش‌هایی است که دانشجویان به آن اشارات متعددی داشتند. ما بخش عمده‌ای از زندگی خود را در ارتباط با دیگران سپری می‌کنیم و یا در فکر آن به سر می‌بریم که ارتباطات مؤثری داشته باشیم. انسان موجودی اجتماعی است به همین خاطر به روابط بین‌فردی نیاز دارد. سلامتی روان ما هم بستگی کامل به کیفیت روابطمان با دیگران دارد. بسیاری از دانشمندان یکی از شاخصه‌های سلامتی را میزان برقراری و حفظ روابط و تشریک مساعی با دیگران ذکر می‌کنند. افرادی که در این نوع روابط دچار مشکل هستند،

اغلب دچار اضطراب‌های بیهودگی و انزوای روزافزون می‌شوند. به همین دلیل برای دور ماندن از رنج و تنهایی و کسب محبت مجبور به برقراری روابط انسانی مؤثر و مفید هستیم (شاملو، ۱۳۸۵). در این کنش، دانشجویان اذعان داشتند: "ما الان می‌دانیم که باید ۴ سال با هم باشیم. حالا اگر بخواهیم با هم بد باشیم و رفتارمان بد باشد به خودمان این ۴ سال زهر می‌شود. چه خوب است که با هم خوب باشیم و بیرون برویم. یکی مان تنها نباشد. مجبوریم با هم راه بیاییم. به نفع خودمان است."

مقوله‌ی ۳۲- الگوپذیری: انسان موجودی اجتماعی است و فطرت جمع‌گرایی و گریز از زندگی انفرادی ودیعه‌ای است که خدای متعال در انسان نهاده است و در حقیقت این ودیعه‌ی الهی زیربنا و خمیرمایه‌ی تشکیل اجتماعات انسانی است. جمع‌گرایی انسان مبتنی بر «تأثیرگذاری» است و البته هر تأثیر بر ۳ رکن استوار است. شخصی که تأثیر می‌گذارد، «الگو» یا «سرمشق» عنوان می‌گیرد و در این معادله رکن تعیین‌کننده به حساب می‌آید، رکن دوم شخصی است که تأثیر می‌پذیرد و رکن سوم رفتاری است که مورد تقلید قرار می‌گیرد. روان‌شناسان، الگوگیری را فرایندی دانسته‌اند که شخص طی آن رفتارهایی را از طریق مشاهده یاد می‌گیرد و آن‌ها را دوباره تولید می‌کند. این فرایند به عنوان یکی از کنش‌های اجتماعی در خوابگاه‌های دانشجویی، دانشگاه‌ها، مدارس و به طور کلی اجتماع، به حساب می‌آید. در این زمینه دانشجویان به «الگوپذیری نوع پوشش»، «یادگیری نظم»، «الگوپذیری تحصیلی»، «الگوپذیری رفتاری» و حتی «الگوپذیری معنوی» به عنوان یک کنش اجتماعی مهم اشاره داشتند.

ب- کدگذاری انتخابی و رسیدن به گزاره‌ها

در این مرحله به گزاره‌های کلی موضوع تحقیق که در جریان تحقیق به دست آمده اشاره می‌شود و روابط تبیینی بین مقولات تا حدودی مشخص می‌گردد. کدهای انتخابی حاصله عبارتند از:

گزاره‌ی ۱- حس مکان و تعلق به خوابگاه: محیط از جنبه‌های کالبدی و اجتماعی به صورت توأمان ساخته شده است. انسان‌ها مکان‌های اطراف خود را خلق می‌کنند و مکان مستقل از انسان معنا ندارد. رابطه‌ی بین انسان و مکان رابطه‌ای سوداگرانه است. افراد

چیزهای مثبت و منفی را از محیط گرفته و یا به آن پس می‌دهند. این بده و بستان بر محیط و انسان تأثیرگذار است. اصطلاح «حس مکان» از ترکیب دو واژه‌ی «حس» و «مکان» تشکیل شده است. واژه‌ی حس در فرهنگ لغت آکسفورد سه معنای اصلی دارد: نخست یکی از حواس پنج‌گانه، دوم احساس، عاطفه و محبت که در روان‌شناسی به درک تصویر ذهنی گفته می‌شود. یعنی قضاوتی که بعد از ادراک معنای شیء نسبت به خود شیء در فرد به وجود می‌آید که می‌تواند خوب، جذاب یا بد باشد. سوم توانایی در قضاوت درباره‌ی یک موضوع انتزاعی. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که محیط علاوه بر عناصر کالبدی، شامل پیام‌ها، معانی و رمزهایی است که مردم بر اساس نقش‌ها، توقعات، انگیزه‌ها و دیگر عوامل آن را رمزگشایی و درک می‌کنند و در مورد آن به قضاوت می‌پردازند (ضرابیان و منعم، ۱۳۸۹).

با این توضیحات، یکی از کنش‌هایی که در قالب گزاره قابل استنباط است، حس مکان و تعلق به خوابگاه است. در این زمینه می‌توان گفت عواملی همچون «تعامل سازنده با مسئولین خوابگاه»، موجب پذیرش و انطباق با شرایط خوابگاهی می‌شود. با سازگاری و تطبیق با شرایط موجود، احساس خوبی برای زندگی در محیط شبانه‌روزی و خوابگاهی به وجود می‌آید و دانشجو احساس می‌کند که زندگی واقعی و اصلی او دارد رقم می‌خورد. در این شرایط او در برابر مشکلات صبور بوده و در مقابل ناملایمات و حتی در جهت کمک به هم‌خوابگاهی‌ها «از خود گذشتگی» دارد. همانگونه که فلاحت (۱۳۸۵) می‌گوید حس مکان، به معنای ادراک ذهنی و احساسات کم‌ویش آگاهانه‌ی مردم از محیط خود است که شخص را در ارتباطی درونی با محیط قرار می‌دهد. به طوری که فهم و احساسات فرد با زمینه‌ی معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس عاملی است که موجب تبدیل فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌شود. حس مکان علاوه بر اینکه باعث احساس راحتی در یک محیط می‌شود، از مفاهیم فرهنگی مورد نظر مردم، روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه در یک مکان مشخص حمایت کرده و باعث یادآوری تجارب گذشته و دست‌یابی به هویت برای افراد می‌شود. با این ویژگی‌ها می‌توان

گفت دانشجویان تجربه‌ی حس مکان را در گفتار خود نشان دادند و درک آن را به زبان آوردند.

گزاره‌ی ۲- درک همدلانه: تم همدلی^۱، از جمله فراکنش‌های اجتماعی است که در فرایند کدگذاری و مرور مصاحبه‌ها استنباط شد. در زمینه‌ی همدلی به دو رویکرد می‌توان اشاره کرد. طبق رویکرد «نقش‌پذیری شناختی»^۲، یک شخص همدل به صورت تخیلی می‌تواند نقش فرد دیگری را به خود بگیرد و افکار، احساسات و رفتار آن شخص را درک و پیشگویی کند. رویکرد «پاسخ عاطفی جایگزین»^۳ به تجارب عاطفی ادراک شده‌ی دیگران تعریف شده است. یک تفاوت حساس بین فرایند نقش‌پذیری شناختی و پاسخ‌دهی عاطفی همدلانه وجود دارد؛ در حالی که اولی بازشناسایی احساسات دیگران است، دومی شامل سهیم شدن در احساسات دیگران، حداقل در سطح عواطف عمده (خوشایند یا ناخوشایند) می‌شود (زرشقایی، نوری و عریضی، ۱۳۸۹). بنابراین، همدلی را می‌توان توانایی تشخیص و فهم ادراکات و احساسات فرد مقابل و انتقال دقیق این فهم از راه یک پاسخ پذیراگر تعریف کرد. جنبه‌های همدلی بر اساس این تعریف عبارتند از: «آگاهی از حالت هیجانی فرد مقابل»، «درک آن حالت»، «هماندسازی فردی با موقعیت» و «ارائه‌ی پاسخ عاطفی مناسب». روند شکل‌گیری درک همدلانه را می‌توان چنین تشریح نمود که سازگاری و انطباق با شرایط موجب حاکمیت همدلی، عطوفت و مهربانی نسبت به هم و کنار آمدن با هم می‌شود که حاصل این‌ها درک متقابل، عطوفت، صبر بر مشکلات و از خود گذشتگی را در پی دارد. این‌ها مصادیق نقش‌پذیری شناختی و پاسخ عاطفی جایگزین به شمار می‌روند.

گزاره‌ی ۳- خودکنترلی: خودکنترلی به این معنی است که یک شخص در موقعیت خود تا چه میزان انعطاف‌پذیر و پایدار است (کاشال و کوانتس^۴، ۲۰۰۶). اشنايدر (نقل از کججالدال^۵، ۲۰۰۳) می‌گوید: مردم در یک بحث کلی به دو دسته تقسیم می‌شوند: افراد با

1. empathy
2. cognitive role taking
3. vicarious emotional response
4. Kaushal & Kwantes
5. Kjeldal

خودکنترلی بالا و افراد با خودکنترلی پایین که هر کدام ویژگی‌هایی دارند. برخی افراد نسبت به موقعیت‌های اجتماعی حساس هستند و خود را متناسب با موقعیت رایج تنظیم می‌کنند، این افراد را با خودکنترلی بالا می‌نامیم. در مقابل افرادی هستند با خودکنترلی پایین که تمایل دارند فکر و احساس خود را بیان نمایند، تا این که آن را متناسب با موقعیت سازماندهی کنند. همچنین خودکنترلی به‌عنوان یکی از تفاوت‌های مهم و قابل سنجش ویژگی‌های رفتاری تعریف می‌شود که بیانگر میزان مطابقت ویژگی‌های رفتاری فرد با شرایط و موقعیت موجود است.

همچنین خودکنترلی به‌عنوان یکی از مهارت‌های ناشی از کنش‌های اجتماعی تلقی می‌شود که نمود آن در دانشجویان خوابگاهی ظهور یافت. طی این فراکنش اجتماعی، دانشجویان تمایل به رفتارهای مثبت داشتند و در این رهگذر به اجبار رفتارها و احساسات خود را کنترل می‌کردند. تاب‌آوری (تحمل) به‌عنوان ظرفیتی برای مقاومت در برابر استرس و فاجعه حاصل خودکنترلی بود که دانشجویان به آن اذعان داشتند. این قابلیت، انسان را برای سازگاری و غلبه بر خطرات و سختی‌ها آماده می‌کند و آموختنی نیز هست. افراد دارای توانایی خودکنترلی، «خود راهبر» نیز هستند. بدان معنا که خودراهبری، فرایند هدفدار کنترل رفتار است که از قصد شکوفایی فردی برخوردار است. خودراهبری فرایند اثرگذاری بر خود است که به افراد اجازه می‌دهد تا به تنظیم و هدایت خود یا زندگی حرفه‌ای و شخصی‌شان به واسطه‌ی به‌کارگیری راهبردهای رفتاری، انگیزشی و شناختی بپردازند. اجزای خودراهبری استنباط شده در گفته‌های دانشجویان شامل «خودپرورشی»، «مدیریت زمان»، «مهارت‌های ارتباطی»، «مدیریت و برنامه‌ریزی امور» بود.

گزاره‌ی ۴- الگوپذیری و تجربه‌آموزی: زندگی در محیط خوابگاهی همواره شامل شرایطی است که الگوپذیری و یادگیری مشاهده‌ای جزء جدایی‌ناپذیر آن است. الگوپذیری به فرآیندی اطلاق می‌شود که در آن رفتار یک فرد یا گروه به‌مثابه محرکی برای افکار، نگرش‌ها یا رفتارهای شخص یا اشخاصی دیگر به‌کار گرفته شود. در این فرایند، فرد با تحلیل محیط و ساخت شناختی خود می‌پذیرد که یک رفتار الگوی او شود و بدان بپردازد یا بالعکس آن را انجام ندهد. دانشجویان در زمینه‌ی درک این کنش، رفتار یا جنبه‌هایی از یک

رفتار را به‌عنوان الگو انتخاب کرده بودند به‌طور مثال، نوع لباس ظاهر و پوشش، رفتارهای نظم‌جویانه دیگران، الگوپذیری تحصیلی و جنبه‌هایی از رفتارهای انسان‌دوستانه و معنوی دانشجویان. بعد دیگر این کنش، تجربه‌آموزی بود. دانشجویان با تشکیل جامعه‌ی یادگیرنده و مبتنی بر ملاک‌ها و اختصاصات خاص، در زمینه‌های تحصیلی از یکدیگر یاد می‌گرفتند و برای آینده‌ی شغلی خود تجربیاتی را از یکدیگر می‌آموختند. این فعالیت‌ها هم جنبه‌ی تجربه-آموزی داشت و هم بهبود رفتارهای اجتماعی را در پی داشت. فعالیت‌های فوق در دو جنبه‌ی دانشجویان هم‌رشته‌ای و غیر هم‌رشته‌ای نمود داشت و دانشجویان هر دو را مفید می‌دانستند. از این نظر، کنش اجتماعی تجربه‌آموزی و الگوپذیری از مهم‌ترین کنش‌های درک شده بود.

الگوی نهایی حاصل از یافته‌های پژوهش در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. الگوی نهایی کنش‌های اجتماعی دانشجویان از زندگی خوابگاهی

کنش‌های اجتماعی دانشجویان از زندگی خوابگاهی				
دلبستگی به خوابگاه	درک همدلانه	نظم‌پذیری رضایتمندانه	خودکنترلی	الگوپذیری و تجربه‌آموزی
<ul style="list-style-type: none"> تعامل سازنده با مسئولین خوابگاه تعلق خاطر به محیط خوابگاهی احساس خوب از زندگی در خوابگاه صبوری از خود گذشتگی 	<ul style="list-style-type: none"> سازگاری و انطباق با شرایط کنار آمدن هم‌ذات‌پنداری عطوفت حاکمیت همدلی صبوری از خود گذشتگی 	<ul style="list-style-type: none"> استقلال یافتن در امور قانون‌پذیری رضایت به کنترل بیرونی مشارکت‌پذیری مسئولیت‌پذیری نظم‌پذیری نقش‌پذیری تعهد تقسیم و عمل به وظایف احترام به حقوق دیگران 	<ul style="list-style-type: none"> گرایش به رفتارهای مثبت کنترل رفتار و احساسات تاب‌آوری (تحمل) خودسازماندهی 	<ul style="list-style-type: none"> رقابت مثبت تحصیلی ایجاد جامعه‌ی یادگیرنده دوست‌یابی مبتنی بر ملاک‌های ویژه کسب تجربیات مفید و مختلف کسب تجربه برای تعمیم به نقش‌های آینده یادگیری با هم ارتقاء و بهبود رفتارهای اجتماعی الگوپذیری

نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر این بود که نشان دهد دانشجویان دختر دانشگاه فرهنگیان در زندگی خوابگاهی چه کنش‌هایی دارند و درکشان از این کنش‌ها چیست، آن‌ها را چگونه می‌بینند و چه دیدگاهی نسبت به آن‌ها دارند. شاید بتوان مهم‌ترین پدیده‌ی خوابگاه‌های دانشجویی را کنش‌های اجتماعی آن‌ها دانست. کنش، به رفتار انسانی اطلاق می‌شود که انگیزه و راهنمای آن معانی باشد؛ معانی‌ای که کنشگر در دنیای خارج می‌یابد و به آن حساسیت نشان می‌دهد. هر کنش از مجموعه‌ای از واحدهای کنشی ساخته می‌شود و شامل حالات و گفتارهایی است که مجموعه‌ی بازسازی شده‌ی آن یک نقش اجتماعی یا برهه‌ای کم-و-

بیش طولانی از کنش متقابل اجتماعی را پدید می‌آورد. کنش‌های اجتماعی در جامعه‌ی دختران متفاوت از کنش‌های اجتماعی جنس دیگر است. این تفاوت ناشی از ویژگی‌های فیزیولوژیکی، شخصیتی، روان‌شناختی و اجتماعی است.

درک کنش‌های اجتماعی زندگی خوابگاهی، شامل چندین مؤلفه‌ی انسانی بود: سرپرستان شبانه‌روزی که به‌عنوان مسئولین خوابگاه بودند، در ایجاد حس همکارانه و تعلق به خوابگاه نقش مهمی داشتند. ایشان با رعایت حال دانشجویان (به‌ویژه دانشجویانی با مشکلات خاص) و تعامل سازنده و همکاری‌جویانه با دانشجویان، نقش مهمی را ایفا می‌کردند و دانشجویان را علاقه‌مند به دانشگاه و زندگی خوابگاهی می‌کردند.

دانشجویان در برخورد با شرایط و مشکلات زندگی خوابگاهی عامل صبر و تحمل را کلید مؤثری می‌دانستند و می‌گفتند این شرایط گذراست، باید تحمل کرد. عبارت "مواجه شدن با مشکلات شیرین‌دوستانه" شاید به بهترین نحو بیانگر نوع تعامل دانشجویان با مشکلات و شرایط باشد. در بررسی گفته‌های دانشجویان می‌توان اذعان داشت، زندگی خوابگاهی به صورت غیرمستقیم و در قالب یک برنامه درسی پنهان، مهارت‌های زندگی را در دانشجویان ایجاد کرده بود. ابعاد این مهارت که دانشجویان به آن اشاره داشتند، عبارتند از:

- «سازگاری و انطباق با شرایط» به‌عنوان عامل کلیدی در ایجاد کنش‌های اجتماعی مثبت، باعث ترک برخی از عادات غلط دانشجویان و همچنین موجب تعامل با فرهنگ‌ها و نظرات مختلف شده بود. سازگاری به‌صورت تدریجی اتفاق افتاده و در اوایل پذیرش بسیار سخت بوده است.

- «مسئولیت‌پذیری» در کنار نقش جدید دانشجو-معلمی، یکی دیگر از مهارت‌های زندگی است که دانشجویان به‌عنوان یک کنش اجتماعی بدان اشاره داشتند. ایشان با پذیرش نقش دانشجویی و معلمی با هم، نسبت به نقش‌هایی که در آینده باید بر عهده می‌گرفتند حساس بودند و این حساسیت موجب تعهد نسبی شده بود. مشارکت در فعالیت‌ها به‌صورت داوطلبانه و خودجوش، تقسیم و عمل به وظایف و نیز احترام به حقوق دیگران، در فرایند مسئولیت‌پذیری نقش مهمی داشتند.

- «کنترل رفتار و احساسات و تاب‌آوری» یکی دیگر از مهارت‌های زندگی بود که در قالب کنش اجتماعی نمود پیدا کرد. دوران دانشجویی با فشارهای زیادی همراه است. به دنبال فشارها، احساسات زیادی دانشجویان را رنج می‌دهد و اگر نتوانند با این شرایط مقابله‌ی صحیح و سالمی داشته باشند، سلامت روان آن‌ها دچار مشکل می‌گردد. این مهارت (تاب‌آوری و کنترل رفتارها و هیجانات) در این زمینه می‌تواند مؤثر باشد و دانشجویان به این اثربخشی اذعان داشتند.

- «درک متقابل» یکی از مهارت‌های بین‌فردی است که جزء مهارت‌های زندگی اجتماعی می‌باشد. هم‌ذات‌پنداری، درک احساس دیگران و درک دیدگاه‌ها در نحوه‌ی مدیریت امور از مصادیق درک متقابل به‌شمار می‌رود. دانشجویان در این زمینه، احساس خوبی داشتند و آن را زمینه‌ساز فضای همدلی، عطوفت، از خود گذشتگی و کنار آمدن با یکدیگر و اختلافات می‌دانستند.

- یکی دیگر از مصادیق کنش‌های اجتماعی در زندگی خوابگاهی دانشجویان دختر، «ایجاد جوامع یادگیرنده» بود. یادگیری جزء لاینفک زندگی خوابگاهی است. دانشجویان با تشکیل تیم‌ها و گروه‌های مختلف هنری، علمی، آموزشی به یادگیری دانش و مهارت می‌پردازند. در این گروه‌ها معلم نیز خود دانشجویان هستند. آن‌ها علاوه بر این موارد، از تعامل و کنش و واکنش‌های رفتاری، احساسی، کلامی و غیرکلامی، یادگیری‌های دیگری را نیز تجربه می‌کنند؛ یادگیری گذشت، صبر، نوع صحبت کردن با والدین (از طریق موبایل و تلفن)، یادگیری مثبت از رفتارهای منفی و یادگیری مسئولیت‌پذیری، همه و همه حاصل تجارب زندگی خوابگاهی دانشجویان بود.

قصد ما از بیان این نمونه‌ها نشان دادن تفاوت‌ها و سپس طرح این ادعاست که زندگی خوابگاهی و تعاملات و کنش‌های موجود در آن، تجربیات ارزشمندی در اختیار دانشجویان قرار می‌دهد. اگرچه شاید در نگاه اول شرایط را دشوار ببینند، اما پیامد رفتاری و نگرشی مثبتی را برای‌شان در پی دارد.

در کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مختلف، تحقیقات خوبی در مورد زندگی دانشجویی انجام شده است که در بخش پیشینه‌ی تحقیق به‌طور گذرا به آن‌ها اشاره کردیم. با وجود اهمیت این تحقیقات، می‌توان گفت که بیشتر آن‌ها با تمرکز بر جنبه‌های کمی و تک‌بعدی، نتوانسته‌اند از منظر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی به موضوع کنش‌ها در محیط خوابگاهی بپردازند. ما در این تحقیق کوشیدیم با جبران این خلأ، راه را برای تحقیقات و پژوهش‌های اینچنینی بگشائیم. شاید یکی از چند هدفی که این پایان‌نامه نتوانست به آن دست یابد، مطالعه‌ی دانشجویان با توجه به مؤلفه‌هایی چون طبقه‌ی اجتماعی، جنسیت و سایر مؤلفه‌ها به‌طور جداگانه و سپس انجام مطالعات تطبیقی و مقایسه‌ای بین آن‌ها بود. این کاری است که انجام دادن آن از منظر دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی می‌تواند راهگشای شناخت مسائل و مشکلات بیشتر این دانشجویان به‌طور جزئی‌تر و عمیق‌تری شده و در نتیجه ضرورت توجه به کیفیت زندگی خوابگاهی آن‌ها را به مسئولان دانشگاه آشکارا گوشزد کند. عقیده داریم هر یک از مفاهیم شناخته شده در بخش کدگذاری آزاد آنقدر اهمیت دارند که به‌طور مستقل مورد پژوهش و بررسی علمی قرار گیرند، اما در این میان از جمله زمینه‌هایی که امید می‌رود در تحقیقات آینده مورد توجه کافی و وافی محققان قرار گیرد:

- ۱- ارائه‌ی تئوری زمینه‌ای در باب فرایند زندگی خوابگاهی در دانشگاه فرهنگیان
- ۲- مقایسه‌ی کنش‌های اجتماعی درک شده در دانشجو-معلمان پسر و دختر
- ۳- بررسی و درک کنش‌های اجتماعی سرپرستان خوابگاه از تعامل با دانشجویان

منابع

- آزاد ارمکی، تقی. (۱۳۷۶). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: سروش.
- چناری، مهین. (۱۳۸۶). مقایسه هوسرل، هایدگر و گادامر با محک روش‌شناسی. نشریه‌ی پژوهش‌های فلسفی-کلامی، دوره‌ی ۹، شماره ۲ (۳۴)، صص ۱۱۳-۱۱۳.
- حاجی‌آبادی، محمدحسین. (۱۳۸۲). *رویکرد جامعه‌شناختی به اقتصاد در چارچوب نظریه‌ی عمومی کنش*، نشریه‌ی *اندیشه‌ی صادق*. تابستان و پاییز ۱۳۸۲، شماره‌ی ۱۱ و ۱۲ صص ۱۰۷-۹۴.
- الحسینی، سید حسن (۱۳۸۰). *بالندگی سازمانی*. تهران: انتشارات بهاریه.
- الیس، سوزان و والن، سوزان. (۱۳۸۷). *آشنایی با یادگیری از طریق همیاری*. ترجمه‌ی طاهره رستگار و مجید ملکان. تهران: نشر نی.
- روشه، گی. (۱۳۷۰). *کنش اجتماعی*. ترجمه‌ی هما زنجانی‌زاده، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- روشه، گی. (۱۳۷۶). *جامعه‌شناسی پارسونز*. ترجمه‌ی عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: نشر تیان.
- رتیزر، جورج. (۱۳۷۴). *نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر*. ترجمه‌ی محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
- زارعی، حیدرعلی؛ میرهاشمی، مالک. (۱۳۹۱). *ارتباط سبک‌های تفکر با سازگاری تحصیلی در دانشجویان پرستاری*. مجله‌ی دانشکده پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی ارومیه، دوره‌ی ۱۰، شماره‌ی ۳، صص ۳۸۹-۳۹۵.
- زرشقای، مسعود؛ نوری، ابوالقاسم؛ عریضی، حمیدرضا. (۱۳۸۹). *کفایت شاخص‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس همادلی هیجانی متعادل*. مجله‌ی روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، جلد ۱، شماره ۱، صص ۳۹-۵۰.
- شارون، جوئل. (۱۳۸۷). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه‌ی منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- شاملو، سعید. (۱۳۸۵). *بهداشت روانی*. تهران: انتشارات رشد.
- شجاع نوری، فروغ‌الصباح؛ شکری، فرزانه. (۱۳۹۲). *شناسایی و طبقه‌بندی مشکلات و آسیب‌های زندگی دانشجویان دختر غیر بومی (مطالعه‌ی کیفی)*. فصلنامه‌ی مهندسی فرهنگی، سال هشتم، شماره‌ی ۷۷، صص ۱۶۸-۱۴۵.
- شفیق، غلامرضا. (۱۳۸۹). *نقد و بررسی پیش‌فرض‌ها و زمینه‌های اجتماعی نظریه کنش اجتماعی تالکوت پارسونز*. نشریه‌ی معرفت فرهنگی اجتماعی، سال ۲، شماره ۱، صص ۱۵۳-۱۸۴.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). *اساسنامه‌ی دانشگاه فرهنگیان*.
- شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۹۰). *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*. نسخه‌ی مشهد مقدس.
- صادقی، مسعود؛ احمدی، سید احمد؛ بهرامی، فاطمه؛ اعتمادی، عذرا؛ پورسید، سید رضا. (۱۳۹۲). *بررسی تأثیر آموزش به شیوه‌ی تحلیل رفتار متقابل بر سبک‌های عشق‌ورزی زوجین*. نشریه‌ی پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، دوره ۳، شماره ۲ (پیاپی ۵)، صص ۸۴-۷۱.
- ضرابیان، فرناز؛ منعم، محمدرضا. (۱۳۸۹). *بررسی میزان و عوامل تأثیرگذار بر حس مکان*. مجله شهرداری‌ها. سال نهم، شماره ۸۹، صص ۲۸-۲۳.
- عارفی، مختار؛ محسن‌زاده، فرشاد. (۱۳۹۰). *ارتباط بین جهت‌گیری مذهبی، سلامت روان و جنسیت*. مجله تحقیقات زنان (مجله مطالعات زنان)، دوره ۵، شماره ۳، صص ۱۴۱-۱۲۶.
- فلاح، محمدصادق. (۱۳۸۵). *مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده‌ی آن*. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲، صص ۴۵-۵۵.

- کدیور، پروین. (۱۳۹۰). روان‌شناسی تربیتی. تهران: سمت.
- کرایب، یان. (۱۳۸۲). *نظریه اجتماعی کلاسیک*. ترجمه شهناز مسمی پرست. تهران: انتشارات آگه.
- کوشای، والسا. (۲۰۰۵). *اقدام‌پژوهی، پژوهشی جهت بهبود عملکرد*. ترجمه مهدی نامداری پژمان. تهران: پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- کلدی، علیرضا؛ فلاح مین‌باشی، فاطمه. (۱۳۸۸) *بررسی کارکردهای اجتماعی و فرهنگی دانشگاه‌ها از نظر دانشجویان (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات)*. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱، صص ۷۱-۸۸.
- لطفی، رویا؛ زرینی، عاطفه. (۱۳۹۴). *همدلی، الگوی رفتاری مؤثر در رابطه‌ی متقابل مدرس و زبان‌آموز*. نشریه جستارهای زبانی، دوره ۶، شماره ۱ (۲۲)، صص ۲۲۹-۲۵۲.
- مثنوی، عطاءالله؛ سام آرام، عزت‌الله؛ حسینی، سید احمد؛ آقابخشی، حبیب‌الله؛ فروغان، مهشید؛ صدرالسادات، سید جلال‌الدین؛ رهگذر، مهدی. (۱۳۸۴). *نگرش دانشجویان خوابگاهی دانشگاه علوم پزشکی ایران در مورد رفتارهای انحرافی در خوابگاه‌ها*. نشریه توانبخشی، دوره ۶، شماره ۴ (مسلسل ۲۳)، صص ۲۰-۲۵.
- محمودی‌راد، مریم؛ آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۳). *خوابگاه‌های دانشجویی به‌منابه‌ی جوامعی برای یادگیری*. طب و تزکیه، شماره ۵۳، صص ۴۵-۵۳.
- نوری، ربابه. (۱۳۹۰). *زندگی دانشجویی*. تهران: انتشارات مرکز مشاوره دانشگاه تهران
- یعقوبی، حمید. (۱۳۸۹). *سازگاری با زندگی دانشجویی*. تهران: انتشارات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- Conner, K. M., Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Journal of Depression and Anxiety*, 18: 76-82.
- Gallagher, M., Nelson, R. J., Weiner, I. B. (2003). *Biological Psychology*. New York: John Wiley & Sons.
- Garnezy, N., Masten, A. A. (2006). Particular resiliency to threatening environments. *Journal of Experimental Social Psychology*, 42: 323-336.
- Kaushal, Ritu and T.Kwantes, Catherine. (2006). The role of culture and personality in choice of conflict management strategy. *Internatinal Journal Relations*, 30. Pp. 579-603.
- Kjeldal, Sue-Ellen. (2003). Self-Monitoring and Consumer Behavior. *The Qualitative Report*, Volume 8 Number 3, 353-376.
- Luthar, S. S., Cicchetti, D., Becker, B. (2000). The construct of resilience: A critical evaluation and guidelines for future work. *Child Development*, 71: 543-562.
- Pike, G. R., Schroeder, C. C., and Berry, T. R. (1997). Enhancing the educational impact of residence halls: The relationship between residential learning communities and first year college experiences and persistence. *Journal of College Student Development* 38: 609-621.
- Terenzini, P., Springer, L., Yaeger, P., Pascarella, E., & Nora, A. (1996). First-generation college students: Characteristics, experiences, and cognitive development. *Research in Higher Education*, 37, 1-22.
- Uslu M, Girgin C. (2010). The effects of residential conditions on the problem solving Skills of university students. *Innovation and Creativity in Education*, Volume 2, Issue 2: 3031-3035.

- Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: Evolution of the child. *American Journal of Orthopsychiatry*, 71: 290- 297.
- Yukl, G. A. (2002). *Leadership in organizations*. Saddle River, NJ :Prentice Hall.
- Behavior, 17, 445-467.
- Zheng, J. L., Saunders, K. P., Shelley, M. C., & Whalen, D. F. (2002). Predictors of Academic Success for Freshman Residence Hall Students. *Journal of College Student Development*, 267-283.